

اکباتان

نویسنده: استوارت. سی. براون*
ترجمه‌ی: رضا دستجردی

دوره‌ی هخامنشی

اسناد، مدارک و تاریخچه‌ی «نبونیدوس» در اوایل قرن ششم پیش از میلاد این گونه نشان می‌دهد که کوروش کبیر، پدرزنش آستیاگس، آخرین امپراتور سلسله‌ی ماد را شکست داد و گنجینه‌ی وی را به «انشان» منتقل کرد. کوروش و جانشینان وی، از اکباتان به عنوان پایتخت تابستانی و خزانه‌ی سلطنتی بهره می‌جستند. غالباً فرض می‌شود که شهر مرکز بایگانی سلطنتی نیز بوده است، چون دستور کوروش مبنی بر بازسازی معبد اورشلیم در آن‌جا یافت شد. اما در حقیقت هیچ منبعی بر وجود بایگانی در آن‌جا دلالت ندارد. از ادعاهای پلینی که اکباتان به مگی‌ها تعلق داشت هم، مطلب خاصی برداشت نمی‌شود.

در ۵۲۱ پیش از میلاد، داریوش بزرگ در آن‌جا ماند تا فراوریش (فراروتس)، مدعی تاج و تخت مادی دست‌گیر شد و او را برای محاکمه و سپس اعدام، به شهر بازگرداندند. رشد و گسترش مجموعه‌های سلطنتی در امپراتوری هخامنشیان، لوح‌های داریوش بزرگ و حجاری‌های اردشیر دوم روی ستون‌ها و در شوش مشهود است و تصور می‌شود، پایتخت وی شوش بوده است. برسوس معتقد است که اردشیر - احتمالاً اردشیر دوم - نیز یک مجسمه‌ی «آناهیتا» در اکباتان (همان‌گونه که در دیگر شهرهای بزرگ و عمده‌ی امپراتوری

بنا کرده بود) برپا کرد.

در دنیای باستان، اکباتان از نقطه‌نظر ثروت فراوان و معماری سلطنتی باشکوه، شهره‌ی آفاق بود؛ هرچند که بر اساس گفته‌های الیان، قصرهای هنری باشکوه‌تر بودند. جزئی‌ترین و شاید قابل اعتمادترین کتیبه و نگاشته‌ی باستانی در مورد این شهر، مربوط به پولیبیوس است که محدوده‌ی کاخ سلطنتی را با داشتن فضایی با تقریباً هفت محوطه توصیف می‌کند؛ فضایی برابر با تمام هگمتانه. چوب سدر و چوب‌های درخت‌های سرو، با پوشش‌هایی از طلا و نقره به کار رفته بودند و سقف نیز با سفال‌هایی از جنس نقره پوشانده شده بود. این ادعای ژوزفوس که دانیال پیامبر کاخی باشکوه و مجلل در اکباتان بنا کرد و مقبره‌های شاهان مادی، هخامنشی و پارتی که توسط روحانیان یهود پاس‌داری می‌شد، در آن قرار داشت، کاملاً خیالی است.

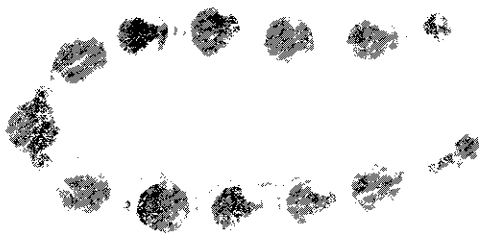
اسکندر مقدونی، دوبار از شهر بازدید کرد. در بهار سال ۳۳ پیش از میلاد، او به دنبال فتح و تصرف وحشیانه‌ی تخت جمشید و پاسارگاد و در تعقیب داریوش، به اکباتان رفت. پارمنیو، جانشین نظامی اسکندر، برای سرپرستی و سرکشی به ارتباطات لشکریان در آن‌جا ماند، اما مدت زمان کوتاهی پس از آن، در آن‌جا به قتل رسید.



ظرف سفالی قهوه ای مایل به سرخ
محل کشف: منطقه سنگ شیر همدان



سکه ی فرهاد دوم پادشاه اشکانی
منطقه سنگ شیر همدان



گردن بند از جنس عقیق، لاجورد، خمیر شیشه و نقره
منطقه سنگ شیر همدان

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

دوره ی پارتیان

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

دوره ی ساسانیان

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

مأخذ

Extracted from: Encyclopedia Iranica

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.

پیش از ادامه‌ی پیشروی اسکندر به سمت شرق، وی غنایم غارت شده‌ی پارسی را در اکباتان ذخیره و انباشته کرد و بخش عمده‌ی طلا و نقره‌ی به کار رفته در کاخ را نیز غارت کرد. در بازدید دوم اسکندر از اکباتان در پاییز سال ۳۲۴ پیش از میلاد، هفاستیون (اسب اسکندر) که اسکندر علاقه‌ی خاصی به وی داشت، در آن جا مرد. منابع پارسی البته با اندکی تردید نقل می‌کنند که اسکندر در غم از دست دادن وی، معبد «آسکلپوس» را ویران کرد. ایان مدعی است که شهر و دیوارهای آن تخریب شدند، در حالی که براساس دیوارهای به جای مانده‌ی قلعه‌های نظامی از زمان پولیبیوس، بسیار روشن است که خود شهر هیچ‌گونه دیواری نداشته است.